

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«شماره اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم»

عالمان دین در خراسان جنوبی

زهرا علیزاده بیرجندی

استادیار دانشگاه بیرجند



عالمان دین در خراسان جنوبی

به کوشش: زهرا علیزاده بیرجندی



سرشناسه: علیزاده بیرجندی، زهرا، ۱۳۴۴.
عنوان: نام پدیدآور: عالمان دین (در خراسان جنوبی) / مولف زهرا علیزاده بیرجندی
موضوعات: شعر: ایران: فکر بکر، ۱۳۹۰.
شخصیات ظاهری: ۱۲۲ ص.
شابک: ۹۶۴-۲۸۶-۱۶-۶-۹۷۸-۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر و حمایت حوزه هنری استان خراسان جنوبی منتشر شده است.
یادداشت: عنوان دیگر: عالمان دین.
موضوع: مجتهدان و علمای ایران - خراسان - سرگذشتنامه
موضوع: شیعه - سرگذشتنامه
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری استان خراسان جنوبی
رده بندی کنگره: ۳۹۰ (ع ۲) BP55
رده بندی دیویی: ۹۱۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۲۰۲۱۵

عالمان دین در خراسان جنوبی

به کوشش: زهرا علیزاده بیرجندی

ناشر: فکر بکر

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۱

طرح جلد: مینا مالکی

صفحه بندی: مهدی مرتضوی

لیتوگرافی و چاپ: واصف

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

کاری از: حوزه هنری خراسان جنوبی

شابک: ۹۶۴-۲۸۶-۱۶-۶-۹۷۸-۵۰۰۰۰

مرکز پخش: بیرجند - خیابان منتظری - مجتمع فرهنگی بهمن - فروشگاه سوره

تلفن: ۰۵۶۱-۲۲۳۰۸۵۲

کلیه حقوق این اثر متعلق به ناشر می باشد.

فهرست

شماره صفحه	عنوان
۷	یادداشت حوزه هنری
۹	مقدمه
۱۷	محمد باقر آیتی
۲۳	محمد ابراهیم آیتی
۲۶	محمد حسین آیتی
۳۱	سید علی آیتی
۳۱	خلیل بن محمد اشرف قاینی
۳۳	سید ابوتراب انوار
۳۴	جمال الدین بشروی حائری
۳۵	سید جواد بشروی حائری
۳۵	حمزه بیر جندی
۳۶	سید علی بیر جندی
۳۶	ملا علی اصغر بیر جندی
۳۷	سید غلامرضا بیر جندی
۳۸	شیخ حسن بیهودی قاینی
۳۹	محمد بن باقر بن ملک علی تونی (ابوالفاخر)
۳۹	عبدالله محمد تونی بشروی
۴۱	ملا احمد تونی (تونی بشروی)
۴۲	فاضل خان ملقب به علاء الملک تونی
۴۲	ملا اکبر تونی
۴۳	سید جلیل امیر خلیل الله تونی اصفهانی



۴۳	ملا جواد تونی خراسانی
۴۴	شیخ ناصر الدین محمد ابن احمد تونی
۴۴	احمد ابن عباس تونی
۴۵	سید میرک موسی تونی
۴۵	معین الدین تونی
۴۶	ملا محمد علی تونی
۴۶	سید حسن تهرانی
۵۰	سید کاظم حائری
۵۲	ذبیح الله حائری
۵۳	حاج میرزا محمود
۵۴	آخوند ملا علی خراسانی
۵۷	زین العابدین درخشی
۵۸	اسماعیل دهکی
۵۹	محمد دابراهیم ربانی بیرجندی
۶۰	محمد رضا ربانی مهموئی گزاری
۶۰	امیر سید حسن رضوی قاینی
۶۱	علاء الدین ملک علی بن محمد شفیخ تونی
۶۱	سید محمد شهرستانی
۶۲	سید محمد رضا صامتی
۶۲	شیخ جواد عارفی
۶۲	سید مهدی عبادی خوسفی
۶۳	محمد باقر عرفانی بیهودی
۶۳	محمد حسین فاضل تونی
۶۷	محمد فاضل قاینی نجفی



۶۹	میردی فاضل قاینی نجفی
۷۰	فاضل مودی
۷۰	محمد حسین فروغ بیر جندی
۷۳	سید محمد علی فقیہ
۷۳	عبد الحسین فرودی
۷۷	ابراہیم بن محمد قاینی تونی، ابوالاسحاق
۷۷	سید ابوطالب قاینی
۸۱	شیخ محمد قاینی
۸۲	محتشم قاینی
۸۲	ابو محمد قاینی (شیخ ابو امثاخر)
۸۳	جلال الدین قاینی
۸۴	سلطان محمد قاینی
۸۴	سید حسن قاینی
۸۵	عبد الخالق قاینی
۸۵	شیخ عبد الرزاق قاینی
۸۶	فضل بن محمد ابن ابراہیم
۸۶	میر سید علی قاینی
۸۷	سید علی نقی قاینی
۸۷	محمود قدسی
۸۸	سید معصوم قہستانی
۸۸	علی اکبر مدرس
۸۸	ملا احمد مدرس
۸۹	سید محمد مشکوہ
۹۵	سید محمد سعادت مصطفوی

۹۵	علی اکبر معنوی
۹۶	شیخ محمد موحد (عرب)
۹۷	شمس الدین موسی
۹۷	محمد حسین نابغ آیتی
۹۹	سید عبدالحسین نجفی
۹۹	سید غلامرضا واعظ قاینی
۱۰۰	محمد هادی هادوی
۱۰۴	محمد حسن هردنگی
۱۱۵	ملا محمد حسین هردنگی
۱۱۶	فهرست منابع و مآخذ



یادداشت حوزه هنری:

فرهنگ و تمدن ماهیت جامعه‌اند؛ به گونه‌ای که با شناخت این دو، می‌توان به جهان بینی و دیدگاه هر جامعه نسبت به زندگی پی برد. با این حال می‌توان گفت، ممکن است تمدن در هر جامعه‌ای یافت نشود، اما فرهنگ جزء جدانشدنی جوامع بشری از ابتدا تاکنون است.

دکتر علی شریعتی از تمدن به عنوان مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی انسان از آغاز تاکنون یاد می‌کند و فرهنگ را مجموعه‌ای اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم و نژاد خاص در طول تاریخ می‌داند. این علیر که از این اندیشه پیداست علت تفاوت این دو، محدوده‌ی جغرافیایی است. در کشوری مثل ایران می‌توان از گونه‌گونی فرهنگ‌هایی چون لر، فارس، کرد و... دم زد، اما نمی‌توان اظهارداشت تنها یک قوم در تمدن پیش ایران زمین نقش داشته است بلکه همه با هم در به اوج رسیدن این تمدن بزرگ سهم داشته‌اند.

خراسان؛ سرزمین خورشید، خاستگاه فرهنگ و تمدن اسلامی است که در گوشه گوشه‌ی آن خرده فرهنگ‌های اصیل و آداب رسوم بکر و به جای مانده از نیاکان به گونه‌ای ناب به چشم می‌خورد و بر خراسانیان پوشیده نیست که مردم جنوب این خطه، نقشی اساسی در نهادهای تمدن این فرهنگ‌طلب‌انسانی داشته‌اند.

بی‌انصافی نیست اگر بگوییم خراسان جنوبی و ظرفیت‌های فرهنگی و تمدن ساز آن، یا فرصت بروز نداشته، یا اینکه طی این سالها و به دلیل دوری از پایتخت و شهرهای مهم ایران، به دست فراموشی سپرده شده است. حال آنکه جلایه‌های فرهنگی و انسانی شناسی‌اش نه به غوا ما که به اذعان گردشگران و میهمانان آن، به شدت دست نخورده و قابل تأمل است.

برآن شدیم تا گامی نه چندان بلند اما استوار و محکم در راستای ثبت و عرضه‌ی فرهنگ و تمدن خراسان جنوبی برداریم. در این راه به استقبال هر دیدگاه و اندیشه‌ای می‌رویم و دست‌یاری به سوی انسان‌شناسان دراز می‌کنیم. این مجموعه‌ی

عظیم که نمایانگر گوشه ای از فرهنگ و تمدن ایرانی است فرصتی است تا نام این گوشه از سرزمین خورشید، بار دیگر بر زبان ها جاری شود.

در این راه می ستاییم دلسوزی و همراهی همه اساتید و پژوهشگران محترم و همکاران عزیزی که در این راه تلاش نمودند و سر تعظیم فرود می آوریم بر آستان مقدس پروردگار عالمیان که توان داد تا با یاری انسان ها از انسان بگوییم.

مهدی حبیبی

رئیس حوزه هنری خراسان جنوبی

تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران نشانگر نقش تعیین کننده‌ی علمای دینی در رخدادها و تحولات زمانه است. به منظور بررسی این نقش و آشنایی با کارکردهای این طبقه، اشاره‌ای به سیر تاریخی و پیشینه‌های روحانیت و نهادهای وابسته به آنان ضروری می‌نماید.

ساختار اصیل روحانیت و تبیین کارکردهای این طبقه از همان دوران صدر اسلام توسط شخصی پیامبر (ص) پایه‌گذاری شد. آن حضرت از میان اصحاب و تربیت یافتگان مکتب خود شخصیت‌های کل‌آمد و شاخصی را برای تبلیغ دین برگزید. این افراد به عنوان رابط میان پیامبر (ص) و مردم، نقش حساس و سرنوشت‌سازی را در عرصه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی و مذهبی ایفا نمودند و در گسترش تعلیم اسلامی و تربیت قرآنی نقش محوری داشتند. تمکینات دینی در عصر پیامبر اکرم (ص) با عناوینی چون عالم، مبلغ، اصحاب، حافظ قرآن و غیره، حضور خود را در عرصه‌های مختلف نشان داده و جایگاه حقیقی و حقوقی ویژه‌ای نزد جامعه اسلامی به دست آورد. القاب و عناوین روحانیت در طول تاریخ مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته که بررسی متون دینی به ویژه آثار مربوط به روحانیت و متن سلسله‌ی اجازات علما، سیر تاریخی القاب مذکور را آشکار می‌سازد. برخی از این القاب از جمله **ثقة الاسلام** و **حجة الاسلام** از کلام امام معصوم (ع) در باره‌ی بعضی اصحاب اقتباس شده است. در روایتی از امام صادق (ع) یکی از اصحاب خود به نام محمد بن مسلم را **ثقة** و مورد وثوق خویش معرفی می‌کند (وسائل الشیعه، ج ۱۸؛ ابواب صفات قاضی، باب ۱۱، حدیث ۲۳: ۱۰۵، نقل در ابادری، ۱۳۹۰: ۲۵). در حدیث دیگری از امام هادی (ع) همین تعبیر در مورد عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان نایب اول و دوم امام عصر (عج) به کار برده و تأکید می‌کند. هرچند این دو از ناحیه من برای شما بگویند، از من گفته‌اند و مورد وثوق هستند. (همان، حدیث ۱: ۱۰۰، نقل در ابادری، ۱۳۹۰: ۲۶). در روایتی دیگر امام زمان (عج) در علت رجوع مردم به عالمان می‌فرماید: «فأنهم حجتی علیکم و انا حجة الله». در عصر سلجوقیان لقب «حجة الاسلام» به ابو حامد غزالی داده می‌شود و در عصر غیبت صغری شیخ محمد بن یعقوب

کلینی، صاحب کتاب کافی، به لقب «ثقه الاسلام» مفتخر می گردد. لقب «آیت الله» و «علامه» در قرن هفتم به فقیه بزرگ حسن بن یوسف حلی معروف به علامه حلی اطلاق شده است (اباذری، ۱۳۹۰: ۲۶).

در عصر صفویه به دلیل رسمیت آیین تشیع و توجه ویژه ی دولت صفوی به علمای شیعی، مناصب جدیدی در تشکیلات سیاسی آن دوره برای علما پدید آمد و القاب متعددی به علماء اعطاء گردید. از جمله مناصب مهم آن عهد منصب شیخ الاسلام است که عالی ترین و مطلع ترین مقام قضایی به شمار می آمد. این مقام عالی در طول دولت صفوی نوباتی بنا بر حسب شخصیت و خصایص صاحب منصب داشته است. به عنوان مثال شیخ الاسلام اصفهان عهده دار دعاوی شرعی و امر به معروف و نهی از منکر بود و رسیدگی به اموال یابی و ویتیمان نیز از وظایف او شمرده می شد. از جمله شیخ الاسلام های معروف محمد باقر مجلسی، شیخ الاسلام دربار شاه سلیمان است که در عهد شاه سلطان حسین ارتقاء منصب پیدا کرد (میر احمدی، ۱۳۶۳: ۶۴).

بررسی سیر تطور و شکل گیری القاب و مناصب روحانیون در این مختصر نمی گنجد، به همین اشاره ی اجمالی بسنده می شود. در سلسله مراتب تشکیلات علمای شیعی، نهادی به نام مرجع تقلید وجود دارد. در واقع دانشمندان علمای هر ناحیه، عنوان مرجع تقلید دارد. مرجع تقلید کسی است که محل مراجعه مقادان و انظر قوانین شیعی دارای حقوق و اختیارات سیاسی و مذهبی است. مجتهد فردی است که توانایی آن را دارد که رأیی مستقل که بر بنیاد قرآن و حدیث پایه گذاری شده، از خویش صادر نماید. ولی این عنوان هرگز نمی تواند به وسیله نصب و تعیین، گزینش و یا رأی عمومی، به دست آید. مجتهدان دارای درجه های گوناگون هستند؛ برخی از آنان از اندیشه های گسترده تر از دیگران برخوردار می باشند. یک پژوهش آماری درباره ی سلسله مراجع بزرگ تقلید در خلال ده سده اخیر به ما آگاهی می دهد که مجموعاً ۵۸ مجتهد به عنوان مرجع بزرگ تقلید به رسمیت شناخته شدند که از میان آنها ۳۴ تن ایرانی و ۲۴ تن دیگر، عرب بوده اند.

از مراجع عرب ۱۶ تن اهل عراق، ۷ تن از سوریه و یک تن از عمان بوده اند. از نظر

تحصیلات عالی ۴۰ تن از مراجع در عراق و ۱۴ تن در ایران آموزش دیده اند و از محل آموزش عالی ۴ تن دیگر، اطلاعی به دست نیامده است. پس از آنکه به عنوان مرجع بزرگ تقلید شناخته شدند ۱۸ تن از آنان در ایران و ۶ تن در سوریه و بقیه در عراق زندگی کردند. زندگینامه این مراجع نشان می دهد که ۳۱ تن از آنان از خانواده های روحانی برخاستند از مجموع آنها ۴۸ تن شهری و بقیه اهل روستا بوده اند. (حائری، ۱۳۶۴: ۸۲، نقل از وکیل قمی، ۱۳۴۵: ۸۲).

دقیق بود این گه نه پژوهشها همواره می تواند مورد تردید قرار گیرد زیرا در گذشته به علت نبودن ارتباط های سریع، شناسایی و تعیین فردی، به عنوان مرجع کل تقلید، تقریباً ناممکن بوده است. به نظر نمی رسد که نهاد مرجع تقلید پیش از زمان شیخ محمد حسن صاحب جوهر اعقابانی (۱۲۰۲-۱۲۶۶ق.) جنبه مرکزیت عام یافته باشد. جانشین بلافضل صاحب جوهر شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق.) بود که بزرگترین مجتهد زمان خود شد به طوری که برتری او مورد شناسایی شیعیان ترکیه، جهان عرب، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی قرار گرفت.

هنگامی که فردی به عنوان مرجع شناخته می شود از او انتظار می رود که فتوای خود را در مسائلی که مورد نیاز مردم است در کتابی به نام رساله عملیه بنویسد و در آغاز هر رساله، معمولاً مجتهد بیان می کند که هر مسلمانی باید مجتهد یا مقلد باشد و یا اینکه عمل به احتیاط کند. کسی که عمل به احتیاط می کند باید مطمئن شود که آنچه انجام می دهد بر ضد فتوای هیچ یک از مجتهدان صاحب رساله عملیه نیست. این شیوه ی کار، کم و بیش تا زمان حاضر ادامه یافته است. (حائری، ۱۳۶۴: ۸۳).

در این قسمت به برخی کارکردها و وظایف علمای دینی هم اشاره می شود. از مجموع احادیثی که از سوی نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین صادر شده می توان به وظایف علمای پی برد. در حدیثی از رسول اکرم (ص) فقهای جامع الشرایط و ارباب انبیاء قلمداد شده اند: ان العلماء ورثة الانبیاء (اصول کافی، باب العلم و المتعلم، حدیث ۱، ص ۳۴ به نقل از ابادری: ۲۹) روایات دیگری نیز با همین مضمون وجود دارد که همه بر وراثت

فقها از پیامبر (ص) و ائمه معصومین دلالت و تأکید دارند.

رسول خدا (ص) در فراز دیگری از حدیث مذکور، به مصادیق این وراثت اشاره می‌فرماید: «لَنْ اَتَّبِعَا لِم يُوْرَثُوْا دِيْنََارًا وَّ دِرْهَمًا وَّ لَكِنْ وِرْثُوْا الْعِلْمَ فَمَنْ اَخَذَ مِنْهُ اَخَذَ بِحِطِّ وَاَفْرِ» پیامبران دینار و درهمی از خود به ارث نمی‌گذارند، بلکه میراث آنان علم و حکمت است پس هر کس از آن علم به جان خرید، به خیر وافر دست یافت.

فرمایش پیامبر در این حدیث ناظر به شخصیت حقوقی آن حضرت است. شخصیت حقوقی پیامبر بردارنده ی نبوت، رسالت، امامت، رهبری و ولایت آن می‌شود و فقها در این بُعد وارث انبیاء و معصومین هستند. همانطور که رسول خدا (ص) در دوران رسالت خویش، دین خدا و احکام اسلام را در میان مردم رواج داد و آنها را به سوی سعادت رهنمون ساخت و در هنگام اختلاف آنها قاضی شد و به رفع منازعات پرداخت و از همه مهمتر حکومت تشکیل داد و امت اسلامی را امامت و رهبری کرد. در دوران غیبت نیز همه این امور به فقهای جامع الشرایط منتقل می‌شود. در توقیع شریف از ناحیه ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عج) خطاب به شیعیان آمده که فرمود: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا» در حوادث و رخدادها به راویان احادیث، که همان فقهای جامع الشرایط هستند مراجعه کنید.

علما با استناد به این احادیث، بحث تشکیل حکومت اسلامی و رهبر امت را به عنوان یکی از مسئولیت های مهم فقهای جامع الشرایط بیان کرده و تبلیغ صحیح دین، ارشاد و هدایت کامل مردم، رفع منازعات و نشر فرهنگ تشیع و گسترش اسلام را تنها با اقتدار این حکومت، امکان پذیر می‌دانند (اباذری، ۱۳۹۰: ۲۹، نقل از کلیبی).

بر همین اساس، وظیفه حفظ اموال صغیران، تولیت اوقاف، تأیید صحت اسناد مالکیت و سایر مدارک، گردآوری و توزیع انواع صدقات و وجوه دینی ز کوه، خمس، کفارات و غیره و حل و فصل دعاوی قضایی نیز بر عهده ی علما نهاده شده است (الگار، ۱۳۶۹: ۳۴-۳۵). علاوه بر این وظایفی که ذکر شد، در تاریخ ایران شواهد فراوانی را می‌توان یافت که نقش فعالانه و حضور علما در رخدادهای سیاسی، جنبش های اجتماعی، حرکت های ضد

